

مدیرعامل خبرگزاری فارس در خصوص جشنواره رسانه‌ای امام رضا (ع) مطرح کرد

# جشنواره‌ای برای طرح نیازهای حوزه زیارت

۲

مجید یراقبافان، کارشناس و مجری برنامه‌های

امام رضایی می‌گوید

## قرار عاشقی با امام رئوف

مجید یراقبافان، کارشناس و مجری برنامه‌های معارفی رسانه ملی که سال‌هاست توفیق خادمی آستان امام رضا(ع) را دارد درباره چهارشنبه‌های امام رضایی به آستان نبوز گفته است: چهارشنبه‌های امام رضایی یک قرار عاشقی و فرصتی مغتنم و بزنگاهی است برای تقویت یاد امام(ع) و عرض ارادت به ساحت قدسی ایشان. وقتی می‌گوییم در همه حالات باید دل‌ها متوجه امام رضا(ع) باشند؛ یعنی «بعد منزل بُود در سفر روحانی»؛ از این رو، اگرچه فضائل زیارت از قریب و نزدیک، آستان‌بوسی و در مضع ...



طرح سپهر اشراقی

روایتی از سفر سید محمود مرعشی نجفی به اردن برای خرید نسخ خطی در بحبوحه جنگ اعراب و اسرائیل

## پژوهشگر باید حادثه جو باشد

هم گرسنه بودیم. بعد هم گفتند یک ماشین برایتان پیدا می‌کنیم و شما را تا دمشق می‌بریم. با همان ماشین، تا دمشق آمدم. انتهای بازار «حمیدیه»، مسافرخانه «حاج محمود شیرازی» به چشم می‌خورد که صاحب مسافرخانه، آن‌وقت زنده بود. حاج محمود شیرازی گفت: چرا حالا توی این موقعیت آمیدی؟ هیچ چیزی ندارم به شما بدهم. فقط یک مشت نان خشکیده کپک زده دارم؛ این‌ها را آب بزنید، کپک‌هایش برود... بخورید... شمع هم یک عدد می‌دهم؛ چون گفته‌اند هیچ نوری نباید روشن باشد. همان جا با آقای سید ماندیم، ایشان ماشاءالله خیلی خونسرد بود و به هیچ وجه از اوضاع ناراحت نمی‌شد!

فردای آن روز حاج محمود به ما گفت: تمام سفرها و کاردارهای سفارتخانه‌های لبنان و سوریه و اردن،

الان چتربازهای اسرائیلی به اینجا هجوم می‌آورند. اگر غریبه هستید اینجا نمانید که کشته می‌شوید. تصمیم گرفتیم از آنجا خارج شویم. هیچ ماشینی برای ما نمی‌ایستاد. من گفتم: اگر می‌خواهیم زنده بمانیم بالاخره باید کاری کنیم. ایشان گفت: می‌خواهید برویم خودمان را به اسرائیلی‌ها تسلیم کنیم؟ این‌ها با شاه خوبند و ما را با سلام و صلوات به تهران می‌برند و خندید... گفتم: نه بابا! حتماً به ما می‌گویند این‌ها چرا با اسرائیلی‌ها همکاری می‌کنند... برای ما بد می‌شود. گفتم: من می‌روم سر خیابان در مسیر ماشین‌ها می‌خوایم شما هرجا دیدی ماشین ایستاد برو سوار شو، من هم می‌آیم. همین کار را هم کردیم. سید با فرزندش سوار ماشین شد، من هم سوار شدم. به راننده گفتیم کجا می‌روی، گفت «امان» و این‌قدر هم پولش می‌شود. قبول کردیم، به



با شرکت «نرن» به بغداد می‌روند و شاه هم گفته این‌ها به کرمانشاه بیایند و با هواپیمای این‌ها را به تهران آورده و همه را به اروپا می‌فرستد تا سروصدا خاموش شود. ما هم قرار شد با آن‌ها برویم. سوار ماشین شدیم. منتها گفتند: شب نباید ماشین حرکت کند. ما آب نه برای وضو داشتیم و نه حتی برای خوردن... دائم می‌گفتیم خدایا چه کنیم؟ عجب گرفتار شدیم! هر طوری بود با هزار سختی شب را تا صبح گذراندم. صبح حرکت کردیم به سمت بغداد و سپس به نجف. به نجف که رسیدیم گفتند شما مگر زنده‌اید؟ برخی برای شما مجلس ختم گرفته‌اند... گفتیم مگر بنا بوده است بمیریم؟ گفتند: آخر شما به بیت‌المقدس رفته‌اید و در مسجدالاقصی بوده‌اید و آنجا گیر افتاده‌اید. گفتیم: بادمجان بم آفت ندارد!

«امان» که رسیدیم مدیر هتل گفت: اینجا جنگ است. تا بمباران نشده باید سریعاً از اینجا بروید، ما بلافاصله سوار ماشین شدیم و رفتم به سمت دمشق. چند کیلومتری دمشق، گمرکی بود. دیدیم افسری آمد و گذرنامه ما را نگاه کرد و گفت: لعنت به شما ایرانی‌ها... پترول(بنزین و نفت) به اسرائیل می‌دهید تا بمب روی سر ما مسلمان‌ها بریزند؛ من راهتان نمی‌دهم... بروید در بیابان بمانید! گفتم: آقا عزیز طباطبایی... حالا چه کنیم؟ ایشان رفت و به آن‌ها گفت: بابا! شاه ما را به نجف تبعید کرده بود، ما جزو اپوزیسیون و خیلی مخالف شاه بودیم، لعنت بر شاه... خلاصه تا این حرف را زد، دیدیم افسر جلو آمد و گفت: الحمدلله! الحمدلله! تقض! ما را بردند و جای و نان و پنیر دادند. خیلی

**زینب اصغریان** | کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بزرگ‌ترین کتابخانه نسخه‌های خطی ایران و سومین مجموعه نسخه‌های خطی در جهان اسلام است. حجت‌الاسلام سید محمود مرعشی، پسر مرحوم آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مرجع تقلید مشهور است که تولیت کتابخانه پدر در قم را هم بر عهده دارد. سیدمحمود مرعشی در راستای جمع‌آوری کتب خطی برای کتابخانه‌شان، به سایر کشورها سفر و نسخ خطی را خریداری می‌کند. خاطره‌ای که می‌خوانید درباره سفر وی به اردن برای خرید کتاب است که اتفاقاً با جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل همزمان بوده است.

«حدود ۶۰سال پیش با آیت‌الله محقق طباطبایی آشنا شدم. داماد ما -آیت‌الله عمید زنجانی - در مدرسه آیت‌الله بروجردی حجره‌ای داشت، من نزد ایشان رفتم. شب اول، آقای محقق طباطبایی به دیدن من آمدند و خودشان را معرفی کردند. عجیب است در همان اولین آشنایی، انگار ۵۰ سال بود یکدیگر را می‌شناختم. از آن موقع با هم مراودات زیادی داشتیم. کار به جایی رسید که آقای طباطبایی در تابستان‌ها به ایران می‌آمدند و دوسه ماه، منزل ما می‌ماندند. آقای طباطبایی برای ما خیلی خیلی عزیز بود. بنابراین چند سفر هم با ایشان از این کشور به آن کشور به‌دنبال کتاب رفتم. ایشان به کتابخانه ما خیلی محبت کردند و ما بخشی از کتاب‌ها را از او می‌خریدیم. وقتی در نجف بودم به من پیشنهاد کردند به اردن و کشورهای اطراف برویم. دقیقاً در روزهایی بود که «جمال عبدالناصر» کانال سوئز را بسته بود و با رژیم اسرائیل، اعلام جنگ کرده بود. آقایان در نجف به ما گفتند این کار را نکنید و نروید، امکان کشته شدن هست... آقای طباطبایی هم گفتند آدم باید حادثه‌جو باشد! خلاصه ما رفتم و شب را در امان (پایتخت اردن) ماندیم. فردا حرکت کردیم و به بیت‌المقدس رفتم. از کنار دیوار ندبه که به بازار می‌رسد حرکت کردیم تا بتوانیم به مسجدالاقصی برویم. یکدفعه دیدم مردم دارند کرکره مغازه‌ها را پایین می‌کشند و فرار می‌کنند. وارد مسجد که شدیم، دیدیم کار جدی‌تر ازاین حرف‌هاست. فردی به ما گفت: چرا فرار نمی‌کنید؟ گفتم: مگر چه خبر است؟ گفت: جنگ شده است... فرار کنید که



بانوی سالخورده مرندی با تمام دارایی اش به زیارت آمد

### وقف همه پس انداز زندگی

اسپانیایی‌ها ۵میلیارد دلار محصولات حلال صادر کرده‌اند

### بهره‌برداری اروپایی‌ها از مزیت‌های صنعت حلال

دکتر محمدحسین رجبی دوانی مطرح کرد

امامزاده یحیی بن زید (ع)

### محوری برای وحدت شیعه و سنی

### رونمایی از قدیمی‌ترین اسناد آموزشی آستان قدس رضوی

### فيلمساز فرانسوی مستند سردار سلیمانی را ساخت



نشست «مکتب سلیمانی و مقاومت فلسطین» به مناسبت روز غزه با حضور سه تن از اندیشمندان ضد صهیونیسم، فعالان تشکل‌های اسلامی و دانشجویی به همت مؤسسه جوانان بنیاد کرامت رضوی در مجتمع دانشجویی امام رضا(ع) برگزار شد.

به گزارش آستان نبوز«کریستین گیوم» فعال سیاسی و کارگردان فرانسوی که از جمله سخنرانان این نشست بود، گفت: امام خمینی بیداری اسلامی را در جهان راه انداخت و حاج قاسم سلیمانی همین مسیر را ادامه داد و مردم دنیا را نسبت به بیداری اسلامی آگاه کرد. در فرانسه از طرح مشکلات و مسائل دنیا از جمله فلسطین در رسانه‌های جمعی جلوگیری می‌شود و در شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، اینستاگرام و حتی فیس‌بوک هم این محدودیت وجود دارد. من تا زمان شهادت شهید سلیمانی وی را نمی‌شناختم. پس از ترور به اتفاق دوستانم مستندی درباره شهید سلیمانی ساختیم تا شخصیت ایشان را به مردم مسلمان که در فرانسه زندگی می‌کنند و جمعیتی بیش از ۶ میلیون نفر دارند، معرفی کنیم.

در این مراسم «جان جیمز بویل» فعال سیاسی و نویسنده آمریکایی نیز با اشاره به آسیب‌های رژیم صهیونیستی در آینده جهان گفت: اسرائیل فقط یک مسئله منطقه‌ای نیست، بلکه یک مسئله جهانی است و اگر در نظر بگیریم قدرت اسرائیل بیشتر شود، مشکلات مردم جهان نیز بیشتر خواهد شد. امیدوارم ایران درآینده نزدیک قدرتمندتر شود؛ چون در مناسبات فلسطین تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین «لیلا مزبوتی» خبرنگار و نویسنده لبنانی با پرداختن به اهمیت موضوع فلسطین برای ایران و حزب‌الله عنوان کرد:

در جریان جنگ ۳۳ روزه محور مقاومت با رژیم صهیونیستی که منجر به پیروزی محور مقاومت شد، نقش شهید سلیمانی بسیار اثرگذار بود و تلاش‌های او برای تجهیز محور مقاومت باعث پیروزی دراین جنگ شد. به عنوان مثال اسرائیل نتوانست با همه تجهیزات نظامی خود موشک‌های محور مقاومت را متوقف کند و یا تلاش‌های اسرائیل برای شروع جنگ زمینی با محور مقاومت بی‌نتیجه ماند و این تلاش‌ها سبب قدرت گرفتن محور مقاومت در چند سال اخیر شد و امروز مردم لبنان اهمیت و جایگاه والاّی برای شهید سلیمانی قائل هستند.

#### نیمکت زندگی

#### اتوبوس مهربانی

**رقیه توسلی** | اتوبوس، نصف ظرفیتش مسافر دارد، اما شلوغ‌تر از همیشه به نظر می‌رسد.

طبق معمول نشسته ام ردیف آخر. اما تمام هوش و حواسم آن جلوست. جایی‌که دخترک چهارپنج ساله‌ای دارد با تمام قوا مادرش را خجالت‌زده می‌کند. برای سومین بار بنا کرده به لجبازی... بلند شده و وسط اتوبوس دارد مادرش را تهدید می‌کند که اگر همین الان پیاده نشوند او هم می‌رود یکی را لگ می‌زند و داغان می‌کند! خط و نشان‌های مادر چندان افاقه نمی‌کند چون کودک سرتق راه افتاده وسط صندلی‌ها که فرد باب طبعش را پیدا کند. توی صورت مادر، نارنجکی می‌بینم که ضامنش را کشیده‌اند.

خانم مسنی صدایش می‌زند: «گلاب دختر! شما چشمای منو ندیدی؟» بعد ثنی صدایش را کمی می‌آورد پایین و رازآلود ادامه میدهد«میدونی چیه؟ آخه من جا دو تا چشم، چهارتا دارم. دوتاش یدکه. شیشه‌ایه. آره خب، چرا تعجب کردی؟». دخترک این پا و آن پا نمی‌کند و بی‌معطلی می‌چسبد به صندلی خانم چهارچشم و می‌گوید: تو... تو آدمخوری یعنی؟ میخوای مارو گاز بگیری؟ برخلاف همه اتوبوس، خانوم سالخورده نمی‌خندد اصلاً و جواب می‌دهد: نه!

- خیلی میخوام با شما رفیق باشم. + آره، ولی درعوضش خیلی دوستت دارم. - من اینا رو دوست دارم (اشاره می‌کند به تصاویر روی کاپشنش. به حیوانات ترسناک منقرض شده)

+ بزار ببینم. به به! رنگای قشنگیم دارن همشون. زرد، سبز، صورتی. شما رنگ موردعلاقته چیه؟

- هیچی + نه نگو این‌طوری. این دایناسور بزرگه رو نیگا چه زرد خوبیه.

- زرد ولی دوست دارم + مرحبا. بلدی شما رنگا رو برام بگی؟ دخترک پریشان به‌وضوح آرام گرفته و سرگرم حرف زدن شده. سر که می‌چرخانم مادر از تک و تا افتاده اش را می بینم که دیگر نارنجک نیست.

#### سنجاق

روان‌شناسی می گوید کودک، آینه رفتار بزرگسال است. به دنبال کاستی‌های فرزندانمان در خودمان باشیم. کودکت احترام نمی‌گذارد! چون صدايت را برايش پايين نمی‌آوری. کودکت عصبی است! به این خاطر که از او تعریف نمی‌کنی. کودکت پرخاش می‌کند! زیرا والدین خشن و سخت‌گیری دارد.

#### پی‌نوشت

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسنديده با آن‌ها معاشرت نمایید.







